

گروه‌هایی از مهمانان وارد خانه می‌شدند هم‌عوم از سرچایش بلند شد تا با آنها احوالپرسی کند. به هسر مهمانی یک لیوان آب زمزم (آب چشمه‌ای در مکه) داده می‌شد. اعتقاد بر این است که آب زمزم شفابخش است. مهمانان همگی یک سؤال را در مورد تجربیات در مکه مطرح کردند. - پله خودروها از سمت راست جاده حرکت می‌کردند. - پله مردمان زیادی از رنگ‌ها و ملیت‌های مختلف در آنجا حضور دارند و همان لباس بلند نمی‌آید. - پله وقتی اولین بار که خانه خدا را می‌بینی مسجور و شقیقه آن می‌شوی.

یک بعد از ظهر در حالی‌که من در آشپزخانه نشسته و با مادرم صحبت می‌کردم در خانه به صدا درآمد. بشیر یگی از اقوام مادرم بود. او در روستای زندگی می‌کرد که یک ساعت با ما فاصله داشت. بشیر دم در ایستاد و در حالی‌که به در تکیه داده بود پرسشان‌حال به نظر می‌رسید. بین هم‌هق گریه‌هایش می‌گفت: آنها روز را کشتند، آنها او را در شب کشتند. آنها او را با مین منفجر کردند. ما شوکه شدیم. هم‌گزار و هم بشیر پسرخاله مادرم بودند. دو تا از عمه‌هایم، پدربزرگ و مادربزرگم همچنین زن دایم به طرف آشپزخانه دویدند.

نیم ساعت بعد خانواده برای مراسم تدفین به طرف روستای آنها حرکت کردند. یک نفر باید در خانه می‌ماند چرا که خانه را نباید هرگز به لحاظ امنیت خالی گذاشت. اگر در مراسم حضور پیدا می‌کردم برای چند روز افسرده می‌شدم بنابراین داوطلب شدم که در خانه بمانم. روستای گلزار به‌خاطر قرار گرفتن در حوالی یک اردوگاه بزرگ ارتش مهجورمانده وضعیت ناپایدارتر از روستای ما بود. همچنان‌که دانشتم به این فکر می‌کردم که خانواده‌ام دارند به یک مراسم تشییع جنازه می‌روند فکر بازرسی بدنی و به خط شدن جهت احراز هویت به هنگام عبور آنها از اردوگاه یک آن ذهنم را رها نمی‌کرد.

دولت مک دونالد در سال ۱۹۵۶، در اوج فعالیت خود در جریان جنگ سرد، ضدیت با آمریکا را بازتابی مکانیکی از «لیبرالیسم مدرن» تلقی می‌کرد که دولتمردان و ملت‌های جدید تحت عنوانی همچون «پولپای زاینبار» و «واکنش‌های کلیشه‌ای» و «خودترتیبی اخلاقی» از آن یاد می‌کردند. توصیه‌های لاسکی تنها تا حدی موفقیت‌آمیز بود. اگر چه آل‌الورز، در سال ۱۹۶۱ نوشت که تغییری در رویه مجلات مشاهده کرده - به گفته وی «این روزها تیش پارانویک تبلیغات سیاسی واقعی به ندرت در مجله اینکانتر شنیده می‌شود»- اما دیدگران همچنان متقاعد نشده بودند

با هوابمایی فرست کلاس برای تعطیلات تابستان به هندوستان سفر می‌کردند. «در اوج «داره» نشریات کنگره اختصاص یافت. کمک‌های مالی به در مونات (Der Monat) (تقریباً ۶۰۰۰۰ دلار در سال) از طریق انواع مختلفی از سازمان‌های پوششی انجام می‌شد. در سال ۱۹۵۸، وجوه مشخص از طریق صندوق منطقه میامی انتقال یافت. تا سال ۱۹۶۰، دیگر منابع کمک‌های مالی متنوع شده بودند. این بار کمک‌ها از طریق بنیاد فلورانس (۲۷۰۰۰ دلار) و بنیاد هلبلیتزر (۲۹۰،۱۷۶ دلار)، تامین شد که بعدی به نظر می‌رسید به کنگره آزادی فرهنگی کمک کنند. زیرا «هدف

جنگ سرد فرهنگی؛ سازمان‌سیا در عرصه فرهنگ و هنر - ۱۲۱ کشتی پرچمدار

و دیدگاه کونور کرورز او براین را داشتند که «مجله اینکانتر پیش از هر چیز به آمریکا وفادار است». در مقرر سازمان‌سیا در واشنگتن، مجله اینکانتر با افتخار به عنوان یک «کشتی پرچمدار» شناخته می‌شد. این کشتی ایزاری خوشایند بود برای پیشبرد مفهوم جامعه فرهنگی واحدی که اقیانوس اطلس نه تنها در میان مردمان آن جدایی‌نپنداخته بلکه ایشان را هم پیوسته است. مجله اینکانتر حتی به نوعی کارت ویزیت برای مأموران سازمان‌سیا تبدیل شده بود. برای مثال یک مأمور سیا هنگام ترتیب دادن قرار ملاقاتی با بن سوننبرگ جوان ثروتمندی که به مدت کوتاهی در اواسط دهه ۱۹۵۰ برای سیا کار کرد، به او گفت: «من یک نسخه از مجله اینکانتر را به همراه خواهم داشت، تا باندید کم می‌کنیم».

اعتماد سازمان‌سیا به مجلات کنگره با کمک‌های مالی سازمان به آن مجلات همراه بود. اگرچه جزئیات واقعی برای اثبات این ادعا، به سختی قابل دسترسی است، برخی از حساب‌های مالی که در گوشه و کنار تعدادی از آرشوها باقی مانده حاکی از کمک‌های مالی سازمان‌سیا به کنگره آزادی فرهنگی هستند.

بر اساس صورت‌پرداخت‌ها در دوره‌ای منتهی به ۳۱ دسامبر ۱۹۵۸، بنیاد فایلد حقوق «دیرخانه ویراستاری» کنگره را به مبلغ ۱۸،۶۰۰ دلار در سال پرداخت می‌کرد. این مبلغ به یونانی، (احتمالاً لاسکی و سردبیر آمریکایی اینکانتر تعلق می‌گرفت (لته باید یادآور شد که پرداخت حقوق سردبیر بریتانیایی مجله، بر عهده سازمان اطلاعات بریتانیا بود).

دیگر، هزینه مستقیم سازمان‌سیا برای حقوق اداره، اجاره و غیره) حدود یک میلیون دلار (۶ میلیون دلار به ارزش سال ۱۹۹۹) در سال بود. علی‌رغم ادعای لاسکی که می‌گفت این کار شغل پردرآمدی نیست، بی‌شک شغل او و همداستان‌ش در حال تبدیل شدن به حرفه‌ای پولساز بود. جیسون استین در خاطرات خود نوشته: «تاگان لیموزین‌ها، مهمانی‌های پر از ماهی دودی خوشمزه و هزار چیز دیگر ظاهر شدند، و افرادی که روزی نمی‌توانستند حتی پول بلیت اتوبوس تا نیویارک را بپردازند، اکنون

شکنجه روحی برای یک تردد ساده در شهر

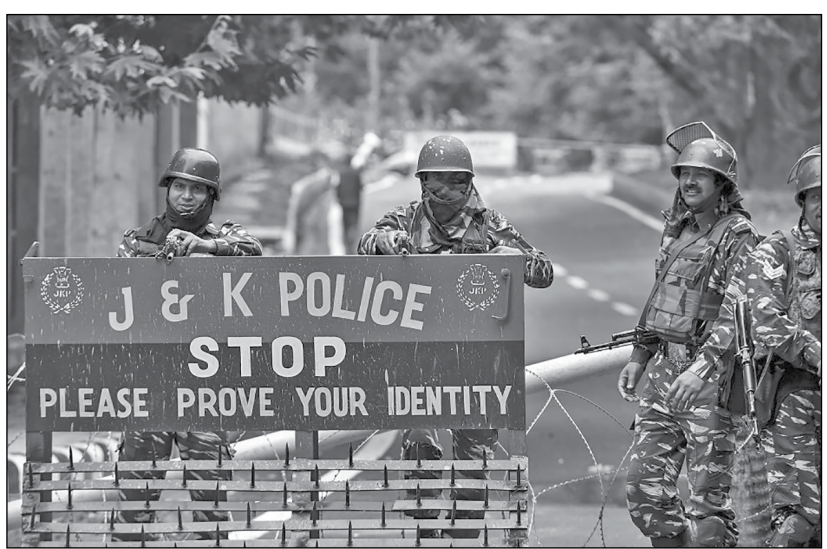
خدا را شکر آنها با یک خودرو سواری به مراسم می‌رفتند. سفر با اتوبوس واقعا یک کابوس بود. بعد از عبور از ایست بازرسی مسافران برای سوار شدن مجدد به اتوبوس و پیدا کردن صندلی خالی چنان‌به اتوبوس حمله‌ور می‌شدند که ازدحام عجیب غریبی به پا می‌شد. روز بعد خانواده من خسته و کوفته و ناراحت برگشتند. گلزار دانش‌آموز کلاس پایه ۱۲ در دبیرستان منطقه بود. سیدل تحصیلی تازه شروع شده بود و دانش‌آموزان ارشد، دانش‌آموزان تازه‌وارد در دست می‌انداختند.

مرگ او روابط ما با خانواده گلزار را به‌طور کل تغییر داد. والدین من، پدربزرگ و مادربزرگ، عمه‌ها و خاله‌ها هر روز به ملاقات آنها می‌رفتند. ماسدر، خواهر جوان‌تر او را زیر پر و بال خودش گرفت. او را در یک مدرسه نزدیک خانه ما بود. بعد از مرگ گلزار هیچ‌کس دیگر ثبت‌نام نکرد. او تا فارغ‌التحصیلی از کالج نزد خانواده ما بود. بعد از مرگ گلزار هیچ‌کس دیگر برای اجرای عدالت و مبارزه در دادگاه برای مجازات سربازانی که گلزار را کشته بودند صحبتی نکرد. اجرای عدالت در جاهای دیگری اتفاق می‌افتد، البته در کشورهایی که قانون حاکم است.

در کشمیر همین که نفس می‌کشید باید خدا را شکر کنید، در این‌جا شما باید زندگی را از هرگونه آسیب و گزند بیشتری مصون نگه دارید. در محافل خانوادگی صحبت سردررفت‌ها غرامت بود، آنها می‌خواستند هر طور شده برای برادر بزرگ‌ترش ایوب که بیکار بود کار و باری پیدا کنند. برای ماها ما نمی‌توانستیم مجوزی را از ارتش بگیریم که تأیید کند که گلزار وابسته به مبارزین نبوده است. ما استشهادهای را به کمیسیون ملی حقوق بشر هند ارائه کردیم و پس از مدتی تأیید شد که او وابسته به مبارزین نبوده است. البته با توجه به اینکه خانواده ما ارتباطاتی را با دولت محلی داشت بی‌تاثیر نبود.

خدا را شکر آنها با یک خودرو سواری به مراسم می‌رفتند. سفر با اتوبوس واقعا یک کابوس بود. بعد از عبور از ایست بازرسی مسافران برای سوار شدن مجدد به اتوبوس و پیدا کردن صندلی خالی چنان‌به اتوبوس حمله‌ور می‌شدند که ازدحام عجیب غریبی به پا می‌شد. روز بعد خانواده من خسته و کوفته و ناراحت برگشتند. گلزار دانش‌آموز کلاس پایه ۱۲ در دبیرستان منطقه بود. سیدل تحصیلی تازه شروع شده بود و دانش‌آموزان ارشد، دانش‌آموزان تازه‌وارد در دست می‌انداختند.

پدربزرگ بشیر را در آشوش گرفت و به آرامی آیه «الله وانا الیه راجعون» که همه مسلمانان وقتی کسی از عزیزانشان می‌میرد بر زبان جاری می‌سازند را قرائت کرد. صورت پر چین و چروک او با درد آمیخته شده و انگ‌ها از چشمانش آبی و سرسبز بود. یک تصویر از گلزار به سرعت از مقابل چشمانم رد شد. یک سربچه ضعیف ۱۵ساله که در حیاط خانه‌شان ایستاده و سیبل‌هایش تازه داشت و لب‌هایش سبزی می‌شد. موهایش کوتاه بود و چوب کریکتی در دست داشت.



نویننده: بشارت پیر مترجم: بهزاد طاهرپور

به نظر می‌رسید عمو از تکرار حرف‌ها خسته شده است. اذان مؤذن برای نماز او را نجات داد و وی عازم مسجد شد. مادر به گروهی از خوشایوندان ملحق و گرم صحبت آنها شد. مادر روحیه خوبی داشت و به لطیفه‌ها می‌خندید. من ماسدر را با فاصله نگاه می‌کردم و خوشحال بودم که او شادمان است.

پس از حمله به والدین من کتاب قوانین و مقررات حاوی دستورالعملی برای دریافت غرامت را در قفسه کتاب پدرم پیدا کردم. ۱۲۴ قانون اساسی جامو و کشمیر فرماندار (وقتی دولت منتخبی در ایالت جامو و کشمیر وجود نداشته باشد فرماندار به عنوان نماینده دولت هند حکومت می‌کند) می‌تواند قوانین ویژه جامو و کشمیر در ۱۹۹۴ وضع کند.

نیازمندی‌های کیمشان

تول رگمی تلفنی: ۰۲۰۲۳۱۱۰۳۳۱۱۳۵۱۹۳۳۱۱۰۳۱۰۳۱۰۳۱۰۳۱۰۳۱۰۳۱۰۳۱۰۳۱۰۳۱۰۳۱۰۳۱۰۳۱۰۳

از ساعت ۸ صبح الی ۶ بعدازظهر
تلفن: ۰۵-۰۳۳۱۱۲۲۹۲۰۵
فکس: ۰۵۳-۳۳۱۱۸۰۵۳
niraz.mandiha@kayhan.ir

مرکز | **جنوب** | **شمال** | **شرق - غرب**

سعدی ۳۳۹۶۲۲۲۳ - ۳۳۹۶۲۲۱۱
شرق استان تهران ۳۶۲۵۰۷۶
اسلامشهر ۵۶۳۴۴۳۴۳
چهاردانگه ۵۶۳۵۹۵۹۸

قلهک ۲۲۶۰۳۶۳۵
شمیران ۲۲۷۱۲۹۷۶
مطهری ۸۸۹۰۰۸۶۷ - ۸۸۸۰۱۵۵۲
شهرآرا ۶۶۵۹۲۲۶۶ - ۶۶۵۹۲۱۰۱۱

شهریار ۰۹۱۲۱۶۲۰۸۴۹
کرج ۶۵۲۳۲۹۳۳
۰۲۶-۳۲۲۶۰۱۳ ۳۲۲۲۴۴۱۱
دماوند ۷۶۳۲۱۹۳۸

خبرگزاری‌ها و رسانه‌ها کیمشا	مهرشهر کرج روبروی کاخ تسرنی ۰۲۰۱۵۸۷۸۲۵ ۰۹۲۰۱۵۸۷۸۲۵	املاک انتظار شمال فرمت تکرار نشدنی برای خرید ویلا و زمین در شمال منطقه نور و چمستان به هر قیمتی با بودجه شما ۰۹۲۰۱۵۸۷۸۲۵	استخدام نیگهان برای تغییرگره انجیل برای روز مجده میدان فرانس سوئید ۰۹۲۰۱۵۸۷۸۲۵	کوله‌های متنوعی	خریدار نقدی فرسوده اتاق خودرو و تمام مدل‌ها حتی مدارک ماشین و موتور سوئید ۰۹۲۰۱۵۸۷۸۲۵	خرید و فروش انواع خودرو	توبه بطریق احمدی ساخت و نصب انواع گانه‌های گاورانیزه - داکت - اسبیست - هواپاز ۰۹۲۰۱۵۸۷۸۲۵	حمله و ننگل	مرکز رسیدگی به امور مساجد به یک نفر حسابدار با شرایط ذیل نیاز دارد: حداکثر سن ۳۰ سال کارت مدرک حسابدار یا معافیت دائم مدرک تحصیلی لیسانس حسابداری عدم سوابقینه واجدین شرایط جهت استخدام به واحد امور اداری و منابع انسانی این مرکز مراجعه نمایند. آدرس: خ جمهوری، خ دانشگاه جنوبی، نبش کوچه فغانلی پلاک ۵ طبقه ۳ شماره تماس: ۰۲۰-۳۳۱۱۳۵۱۹ دایلی ۳۰۴
--	---	---	---	------------------------	--	--------------------------------	--	--------------------	--

آگهی دعوت مجمع عمومی عادی بطور القاده (نوبت دوم) شرکت جهان تعاونی تهران (سهامی خاص) - شماره ثبت ۱۰۹۷۱۸

تاریخ چاپ: ۱۴۰۴/۲/۲۴

بذینوسیله از کلیه اعضا دعوت می‌نماید تا در جلسه مجمع عمومی عادی نوبت اول که در ساعت ۱۵ روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۴/۳/۱۸ در محل قانونی شرکت واقع در خیابان امام خمینی کوچه شهید سلطانی پاساژ چغری طبقه اول تعاونی آچار ابزار تهران تشکیل می‌شود حضور بهم رسانید.

آگهی دعوت به مجمع عمومی عادی بطور القاده (نوبت اول) شرکت تعاونی تنگسار

تاریخ تشکیل: ۱۴۰۴/۰۲/۲۰

جلسه مجمع عمومی فوق العاده نوبت دوم **شرکت تعاونی عدالت تنگسار**، برابر تصمیم هیات مدیره راس ساعت ۱۶ عصر روز چهارشنبه، ۱۴۰۴/۰۲/۲۳، در محل صحنه مهد کودک رنگارنگ واقع در تکنجان خرم آباد خیابان شهید خلتیوری ابتدای کوچه ۱۲ فروردین برگزار می‌گردد. لذا از کلیه نمایندگان محترم دعوت به حضور به عمل می‌آید. راس ساعت مقرر در جلسه به آدرس تهران، پارسا، ۱۵۰ مراجعه نمایند.

آگهی دعوت به مجمع عمومی عادی سایانه ساهمداران (نوبت دوم) شرکت یونیک (سهامی خاص) به شماره ثبت ۲۱۸۲۲

تاریخ چاپ: ۱۴۰۴/۰۲/۲۴

بذینوسیله از کلیه اعضا دعوت می‌نماید تا در جلسه مجمع عمومی عادی نوبت اول که در ساعت ۱۵ روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۴/۳/۱۸ در محل قانونی شرکت واقع در خیابان امام خمینی کوچه شهید سلطانی پاساژ چغری طبقه اول تعاونی آچار ابزار تهران تشکیل می‌شود حضور بهم رسانید.

ویژه نامه تخصصی خودرو

با مطالبی متنوع و گامی ورزیده با آخرین اخبار روز بهترین مکان جهت درج آگهی‌های شما

با حضور در نیازمندی‌های روزنامه کیهان کار خود را گسترش دهید